

جنون و بی‌خردی

تاریخ جنون

در عصر کلاسیک

میشل فوکو

ترجمه فاطمه ولیانی



فهرست

۱	مقدمه
۷	۱. کشتی دیوانگان
۴۹	۲. حبس بزرگ
۷۷	۳. دیوانگان
۹۹	۴. چهره‌های جنون
۱۴۵	۵. پزشکان و بیماران
۱۸۷	۶. وحشت عظیم
۲۱۳	۷. مرزبندی جدید
۲۳۷	۸. تولد آسایشگاه
۲۷۷	نتیجه
۲۸۹	یادداشتها
۲۹۷	نمایه

فصل اول

کشتی دیوانگان

در پایان قرون وسطی جذام در غرب از میان رفت. در حاشیة اجتماع، در دروازه‌های شهرها، بابِ سرزمینهای وسیعی گشوده شد که هر چند دیگر جولانگاه درد نبودند، سترون و تاملتها غیر قابل سکونت ماندند. تا چند قرن تنها حیوان و گیاه در آنها مأوا داشت. از قرن چهاردهم تا قرن هفدهم، این سرزمینها با ورد و جادویی غریب در انتظار و خواهان تجسم تازه‌ای از درد بودند؛ خواهان آنکه ترس شکلک جدیدی به آنها عرضه کند، که بشر با سحر تازه‌ای بار دیگر دست به کار تصفیة جامعه شود و گروهی از انسانها را به آنجاها طرد کند.

از ابتدای قرون وسطی تا پایان جنگهای صلیبی، وسعت قلمرو ملعون جذامخانه‌ها در سراسر اروپا چند برابر شده بود. بنابر قول متیو پاری^۱، در سراسر قلمرو مسیحیت نوزده هزار جذامخانه وجود داشت. به هر حال، حدود سال ۱۲۶۶ که لویی هشتم مقررات جذامخانه‌های فرانسه را وضع کرد، بیش از دو هزار جذامخانه شمارش شد. فقط در اسقف‌نشین پاریس چهل و سه جذامخانه وجود داشت. بورلرن^۲، کربی^۳، سن ولر^۴، جذامخانه مرگبار شان-پوری^۵ و نیز شراتن^۶ از آن جمله بودند. بزرگترین جذامخانه‌ها در نزدیکی شهر پاریس واقع بودند: سن ژرمن و سن لازار[۱۱]؛ بعداً نام آنها را در تاریخچهٔ دردی دیگر باز خواهیم یافت. از قرن پانزدهم در همه‌جا جذامخانه‌ها از جذامیان خالی شدند.

1. Mathieu Paris

2. Bourg-le-Reine

3. Corbeil

4. Saint-Valère

5. Champ-Pourri

6. Charenton

سن ژرمن از قرن پس از آن به دارالتأدیب تبدیل شد و سن لازار حتی پیش از آنکه مقر انجمن خیریه و نسان دُپل قدیس^۱ شود، فقط یک جذامی داشت: «جناب لانگلو، قاضی محکمه عرفی». زمانی که ماری مدیسی نایب‌السلطنه بود (۱۶۱۷-۱۶۱۰)، یکی از بزرگترین جذامخانه‌های اروپا، یعنی جذامخانه نانس، فقط چهار جذامی داشت. کاتل در خاطرات خود نوشته است که در اواخر قرون وسطی، بیست و نه بیمارستان در شهر تولوز وجود داشت که هفت باب آن جذامخانه بود؛ ولی در منابع آغاز قرن هفدهم تنها نام سه جذامخانه ذکر شده است: سن سیپرین^۲، آرنو برنار^۳، و سن میشل. مردم به شکرانه از میان رفتن جذام مراسم به جا می‌آوردند؛ مثلاً اهالی رنس در سال ۱۶۲۵، طی راهپیمایی مذهبی باشکوهی خداوند را سپاس گفتند که شهرشان را از این آفت رها کرده است.

حدود یک قرن بود که قدرت سلطنتی ضبط و ربط و تجدید سازمان املاک جذامخانه‌ها را که منبع ثروتی بیکران بود، در دست داشت. فرانسوای اول در فرمان مورخ نوزدهم دسامبر ۱۵۴۳، «برای آنکه به بی‌نظمی شدید حاکم بر جذامخانه‌ها خاتمه داده شود» به سیاه‌برداری اموال آنها امر کرد. هانری چهارم نیز در فرمان سال ۱۶۰۶ خود دستور رسیدگی به حسابهای این مؤسسات را صادر و مقرر کرد «مازاد حاصل از این تفحص صرف احوال نجیبای فقیر و سربازان معلول شود». در ۲۴ اکتبر ۱۶۱۲ دستور رسیدگی به حسابها دوباره صادر شد، اما این بار بر آن شدند تا درآمدهایی را که تا آن زمان از آنها استفاده نامعقول می‌شد، صرف تغذیه فقرا کنند.

مشکل جذامخانه‌ها در فرانسه تا پیش از پایان قرن هفدهم حل نشد؛ بخصوص آنکه وجه اقتصادی قضیه معضلات متعدد آفرید. مگر نه اینکه در سال ۱۶۷۷، فقط در استان دُفینه^۴ هنوز چهل و چهار جذامخانه موجود بود؟ در بیستم فوریه ۱۶۷۲، لویی چهاردهم اموال همه انجمنهای خیریه درمانی و نظامی را به

۱. Saint Vincent de Paul (۱۶۶۰-۱۵۸۱)، کشیش فرانسوی. و نسان قدیس ضمن قبول مناصب مذهبی تشریفاتی، در سطحی گسترده به فعالیتهای خیریه می‌پرداخت. مهمترین کار او تأسیس انجمن کشیشان مبلغ بود. از او به عنوان بزرگترین شخصیت مسیحی قرن هفدهم نام می‌برند. — م.

2. Saint-Cyprien 3. Arnaud-Bernard 4. Dauphiné

دو انجمن مذهبی سن لازار و سن کارمل^۱ واگذار و آنها را مسئول اداره جذامخانه‌های کشور کرد. حدود بیست سال بعد، فرمان سال ۱۶۷۲ لغو شد و در پی اقداماتی که در فاصله مارس ۱۶۹۳ تا ژوئیه ۱۶۹۵ انجام گرفت، اموال جذامخانه‌ها به بیمارستانهای دیگر و مؤسسات خیریه واگذار شد. معدودی جذامی که هنوز اینجا و آنجا، در میان هزار و دویست جذامخانه همچنان موجود پراکنده بودند، همگی در جذامخانه سن مسمن^۲ واقع در نزدیکی اُرتان جای داده شدند. این احکام ابتدا در پاریس اجرا شد؛ در پاریس دیوان عالی عواید جذامخانه‌ها را به مؤسسات وابسته به بیمارستان عمومی^۳ شهر سپرد. مراجع قضایی شهرستانهای کشور نیز از اقدام دیوان عالی تبعیت کردند. شهرستان تولوز اموال جذامخانه‌های شهر را به بیمارستان «بیماران لاعلاج» واگذار کرد (۱۶۹۶). دارایی جذامخانه بلیو^۴ در نرماندی به بیمارستان اُتل دیو^۵ در شهر کان و اموال جذامخانه وُله^۶ به بیمارستان سنت فوا^۷ سپرده شد. ملک محصور گانه^۸ در نزدیکی شهر بُردو و جذامخانه سن مسمن، تنها یادگارهای دوران جذامخانه‌ها، به جای ماندند.

در انگلستان و اسکاتلند که جمعیت آنها در قرن دوازدهم تنها یک میلیون و نیم بود، دویست و بیست جذامخانه وجود داشت. اما در قرن چهاردهم جذامخانه‌های این کشور کم کم از بیمار خالی شدند. در سال ۱۳۴۲ که ریچارد سوم به بررسی وضعیت بیمارستان ریپن امر کرد، در آنجا دیگر حتی یک جذامی بستری نبود و او عواید بنیاد مزبور را به فقرا اختصاص داد. اسقف اعظم پویزل^۹ در اواخر قرن

1. Mont-Carmel 2. Saint-Mesmin

۳. نخستین مراکز درمانی فرانسه با ابتکار مؤمنان مسیحی ایجاد شد و حتی پس از آنکه رسیدگی به امور آنها به دست قدرت سلطنتی افتاد، باز مدیریت آنها به عهده روحانیان بود. اما در قرن هفدهم، با گسترش تکدی در پاریس، بیمارستانی با نام بیمارستان عمومی تأسیس شد (۱۶۵۷-۱۶۵۶) که هدف عمده آن پذیرش متکدیان بود. این بیمارستان در اوایل انقلاب فرانسه تعطیل شد. شایان ذکر است که تا همین اواخر در فرانسه، مانند بسیاری از دیگر کشورهای اروپایی، بیمارستان نهادی خیریه بود که تنها بیماران فقیر از آن استفاده می‌کردند. — م.

4. Beaulieu 5. Hôtel-Dieu 6. Voley 7. Sainte-Foy

۸. Ganets، منظور از ملک محصور، زمینی است که بیشتر مالکیت همگانی داشته و با پرچین کشیدن به دور آن، به ملک خصوصی تبدیل شده است. — م.

9. Puisel